پیشگفتار:
مقاله ها:

ایران و نظام جمهوری اسلامی در متن تاریخ نگاهی به اقتصاد سیاسی ایران پس از انقلاب
اقتصاد ایران: کارنامه سال های سپرده
منافع ایران و قراردادهای نفتی بیع متقابل
نظام قضاوی ایران پس از انقلاب
مروری تطبیقی بر سیاست خارجی معاصر ایران
واقعات های نظام آموزشی امروز ایران
مسائله سوره‌های محلى در ایران
همسرنشینی، مهاجرت و گسترش نارضایتی

گذشته و نظری:
یادداشت های روزنامه

پاد نادر نادیبور:
مرگ ساده
"واژه‌ها را مؤدی آزادگی می داد"

گزیده:
در اقتدار و اختیارات ویله فقیه
شوکران اصلاح
مقایسه وضعیت حقوقی زن و مرد در خانواده

تقد و بروزی کتاب:
"سحر" و "قمار در محراب"
مسلمانان و زرتشتیان ایران در سده های میانه
روزبه‌های بی‌OWNER در عوال مهای خیال
خلاصه مقاله‌ها به زبان انگلیسی
بگاهی به اقتصاد سیاسی ایران بعد از انقلاب

سخن درست کرده‌ام در باره عملکرد اقتصاد ایران نیازمند جرأت و شهامت حرفه‌ای
بسیار است. گرچه در قیاس با اغلب کشورهای منطقه ایران آمار و ارقام رسمی
بیشتری پیرامون شاخص‌های اقتصادی خود منتشر می‌کند، این ارقام در نظر
مفسران بی‌طرف فاقد سه ویژگی اساسی اند: قابلیت استحباب، همبستگی و شفافیت.
آمار بانک مرکزی راجع به توسعه پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی و بدهی‌های مثبت دار، و
ارقام سازمان برنامه‌ریزی مالی به‌خصوص بیکاری، و گزارش‌های خزانه‌داری گل کشور در
باره بودجه به کارگیرانی از سوی تحلیل گران مستقل به سبب جانبداری و عدم دقت
مورد سوال قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، آمار ارائه‌شده از سوی سازمان‌های

*این نوشته ترجمه‌ی سخنرانی دکتر جهانگیر آموزگار به زبان انگلیسی است که در ۲۴ مارس ۲۰۰۰ در برنامه سخنرانی‌های نوروزی استادان ممتاز ایرانشناسی که هر سال به دعوت مشترک بی‌بی‌سی می‌گردد برگزار می‌شود. تاکید دارم کتاب اخیر دکتر آموزگار با عنوان زیر در سال گذشته انتشار یافت:

گوناگون دولتی در باره موضوع‌های واحد مانند رشد جمعیت، استغلال سوداور، سرمایه‌گذاری ابتکار، و رشد سالانه اقتصادی، همیشه با یکدیگر مسالمت‌گاری و همخوانی ندارند. سرانجام، هم‌سانتتر از همه، آماری که درباره تراکم‌های مسئولیت‌های دولتی، عملکردهای بین‌المللی که از نظرات دولت‌های مستقیم و مستقل هستند (از جمله بین‌المللی خرید)، بیان‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی، میزان نقل و انتقال سرمایه به داخل و خارج از کشور یا در دسترس قرار نمی‌گیرد و با مهم و دستکاری شده و پنهان است. هنگام انتقال نظری هم در باره کم و کافی و عملکرد اقتصاد غیر رسمی را "زیرزمینی" در دست نیست. افزون بر این، وجود چندین نرخ گوناگون بدانه ارزی، کار تبدیل و محاسبه ارز داخلی را به دلال برای سنجش و مقایسه بین المللی عملی بیان می‌کند و حتی، این مسئله ساختمان است.

با همه این کامیابی، شاید بتوان اقتصاد ایران بعد از انقلاب را با صفات و ویژگی‌های زیر توصیف کرد: وابسته به نفت، در کنترل دولت و بین‌المللی است. به آن، گروه‌گرا وا شماری به گروه‌های دین‌گرای و دین‌خواه، وابسته به واردها، تحت سلطة انحصارات، دارای ضریب مالیاتی پائین، منطقی به پاره‌های زیاد، از جدید، تحت سبکی به تبادل محصولات ایرانی را به زیاده و تولید، توزیع و اداره "پیام" توصیف کرده است و دیگران آن را به حق، دارای مدیریت غلط، بازده پائین، و آگاهی از اسرار کاری دانسته اند.

توهمات در باره انقلاب

ضایعات چشمگیری را که متوجه اقتصاد کشور شده است می‌توان به حساب انقلاب و انقلابی که اهداف دست نیافتنی در بین مانند اسلام‌خواهی آن گذاشته، بیست و یک سال پیش در بین ماه ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) یک نظام پادشاهی به ظاهر استوار، از نظر نظامی نیروهای متعدد، از نظر بین المللی معتبر، از نظر اقتصادی پویا، با تکنولوژی جدید، و نسبتاً مرحله در خاوریانی توسط روحانیان سامتی که نه ارتشی داشت و نه اسلسله ای و نه امکانات آشکار مالی و نه پشتیبانی خارجی، سرنگون گردید. حتی در تاریخ که به خاطر تعداد انقلاب‌ها و دگرگونی‌های خشونت‌بار (روسیه، چین و کوبا) و کودتاها نظامی (در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین) شهره است، انقلاب ایران و سقط پادشاهی پهلوی را با بیان به مشارکت‌یک رویداد تاریخی غیر منطقی و چشمگیر دانست.

نشانه‌های این انقلاب بی سابقه و پیامدهای مخاطره آمیز آن از دید اهل نظر نیز پوشیده مانده بود. در صف سیاسیان، مجله "تاام" در شماره ویژه "مردیسال"
۱۹۸۰ خود، پیروزی آیت الله خمینی را به منزله مهم ترین تهدید به "موازنه قدرت جهانی پس از اشغال اروپا توسط هیتلر" دانست، و انقلاب ایران را "الگوی برای انقلاب‌های آینده در جهان سوم" شمرد. از سوی دیگر یکی از اساسیان آمریکایی که به آگاهی و ایفای به اوضاع ایران شبه‌جزیره است عنوان ساخت که: "روحانیت شیعه از نظر فکری و روانی آمادگی روبروی شدن با چالش‌ها پاسخ‌ناپذیر ایران را ندارد" و بیش بینی کرد که انقلاب به یک نظام دست چینی مقتدر، یا یک حکومت نظامی راست گرا، یا یک دموکراسی لیبرال به شیوه غربی خواهد انجامید. یک پژوهشگر ایرانی متمایل به چنین شکست سریع خمینی را توسط "نهضت کارگری و چپ" بیش بینی کرد. در عین حال، همگان براین رأی بودند که حکومت خمینی موقتی خواهد بود و بعدی می‌دانستند که خود اوصیل، را در حکومت آینده ایران برهم‌خورد. اما، نظام اسلامی لیبرال فقهی که پس از انقلاب به وجود آمد، دیدگاه شغلی هم‌خوره خبرگان و مخالفین گردید. از الگوی خمینی در سایر نظام‌های "سلطنتی" (یا حکومت های مروتی) مسلمان و سنی، منطقه پیرمرد نشد، جوامعی نیز که جمعیت شیعه مذهب داشتند (مانند عراق، پاکستان، و آذری‌ی ترکیه) به آن نگری‌خواندند.

هیچ یک از بیش بینی هایی که پایان حیات خمینی و افول روزدار حکومت او را عنوان می‌ساخت تحقیق نیافت و علی رغم بسیاری از پیشگویی‌ها، حکومتی که به دنبال این اوضاع قدر کار آمد نه یک دیکتاتوری چپ‌گرا بود و نه یک حکومت نظامیان، و نه به طریق اولی یک دموکراسی از نوع غربی. افزون براین، برخلاف بیش بینی هایی صاحب نظران، آیت الله خمینی به تنهایی توانست اوضاع پراپرای دولت را تاب آورد ب:min: به تدریج و با یک نقشه حساب شده تمام مخالفان اصلی و هم چنین بسیاری از هم‌زمان انقلابی و متحدان سابق خود را نیز، به قصد ثبت نظام سیاسی ای که تا به امروز دوم آورده است، از میان برداشت. در عین حال، جمهوری اسلامی به تدریج توانسته است تصویر زندگی خصوصی را که در حالی نخست در اذعان پدید آورده بود ملایم کند، از انرژی زمان گنج بیرون آید، و دو رابط سیاسی اش را با تمام قدرت های سیاسی و تجاری جهان، با استناد آمریکا و اسرائیل، بست و کنسترش به خود خارج العاده برای بقا و ادامه حیات از خود نشان دهد. به سختی دیگر، با وجود حوادث خشونت بار اوائل انقلاب، از میان رفتین شماری بزرگ از رهبران مذهبی سیاسی و نظامی به دست گره های مخفی داخلی، یک جنگ طولانی، خونین و
ویرانگر با عراق، قیام‌های تجزیه طلبانه قومی، تحریم‌های بین‌المللی، جمعیت دائم التزاوید، و بلا‌ایی مکث طبیعی، حکومت روحانیان توانتش آست هنگام برخی این بماند. به علاوه، پس از اعلان آتش بس با عراق، رژیم توانته‌است قدرت نظامی اش را بازسازی کند، توانته‌ای دفاعی زمینی و دریایی خود را افزایش دهد، ظاهراً به آزمایش و تویید موضوع هنیه با برد متوسط و دور دست زند و با اثر و مهم تن از همه، در برای تنها ابرقدرت جهان با استد و به کسب امتیازات سیاسی موفق شد.

عملکرد اقتصادی بی‌رمق

ضمنیف ترین بخش کارنامه ۲۱ ساله جمهوری اسلامی و خطور مداومی که موجودیت آن‌ها تهیه می‌کند، اوضاع و احوال اقتصادی کشور است. اقتصاد که به زعوم بانی نظام به امری که شایستگی و ارزش پیکر اقتصادی ندارد تنزل مقام و اهمیت یافته بود و در قانون اساسی ۱۳۱۹ نیز «نیز چون هدفی برای خود بله به عنوان وسیله ای برای نیل به مقصود نهایی» بعنی «حرکت به سوی خداوند» دانسته می‌شد، اساسی ترین نقطة ضعف رژیم و به منزله پاوندی آن‌ها، اقتصاد ملی در همان حال که به علت در تلاش پایان‌یک (الگوی اسلامی) است که بتواند به آن‌های انقلابیون (مادی گرایی لجام‌گشخته) و (مصروف گرایی) نسبت می‌دهند پایان دهد، به گونه‌ی بال‌بندی‌های و با برنامه اداره شده است. شالوده اقتصاد را می‌توان آمیزه ناباپارادیز از سرمایه‌های داری، عوامل گرایی، و مصالحت‌اندیشی با رنگ و لامپی از آرایش اسلامی دانست. در نتیجه، تا بحال این اقتصاد از یک بحران به بحران دیگر طی طریق کره است.

در طول ۴۰ سال گذشته اقتصاد ایران متاثر از چند ایدئولوژی نیم نبد و نابخته، جهاد مرحله‌مناها و مشخص را از سرگذرانده است.

در یکی از سال‌های اول انقلاب حکومت به تجربه عجیب و غریبی تحت عنوان "اقتصاد توحیدی" دست یافت که به پایه‌ای کم‌بود و لزوم تخصصی معقول. منابع بکه بر اساس اعتقاد به فراوانی و ضرورت توسعه اقتصادی درآمد استوار بود. بر پایه ملیکه ای از ایدئولوژی انقلابی و دینی کلیه اساس می‌می‌کند. از این دست صاحبان و مدیران خصوصی گرفته شد. تمام بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بی‌پایی شدند. هزارها واحد تجاری در بخش کشاورزی، صنایع کوچک، شرکت‌های بازرگانی و جمهوری‌گریکه که به اطرافیان و طرفداران شاه تعلق داشت مصلادره و به تعدادی بی‌نیا‌های خبره و فرآورشی واگذار گردید. نتیجه کاهش
فاجعه آمیز تولید و درآمد کشور

دوره دوم که تقریباً با جنگ ایران و عراق مقارن شد، در عرصه‌ای اقتصادی شروری بر بود. ویژگی‌های این دوره را می‌توان در دخالت گسترده دولت در امور اقتصادی، اعمال محدودیت‌های خاص زمان جنگ، و تأکید بر خودکفایی دانست. ویژگی اقتصادی این دوره نوسانات متناوب در افزایش و کاهش تولیدات و رشد سالانه با میانگینی را که بود.

دوره سوم که دوره سازندگی و توسعه پس از جنگ با عراق بود در سال 1389 با تولید به‌کلیه مبناها تولید اختیاری اقتصادی و با تأکید بر اصول و موازین بازار آزاد، آغاز شد. اما این اقدام، با به تعیین‌های همان سیاست‌سازندگی رفتن حکم‌داران، طبق انتظار به‌طور خطی به‌صورت پیامدهای اجتماعی از نظر سیاسی تحمیل نابیانگی توش و به بروز فراموشی سپرده شد. هرچند که این دوره دست آورد بهترین از دوره اول داشت ولی هنوز میزان رشد اقتصادی کشور بالایی نبود.

دوره چهارم از سال 1397 تا کنون، نیز دوره ای همراه با رکود و رشد آهسته بوده است. اقتصاد این دوره نیز با وجود مشکلات فنی‌سیاسی اش دست‌خوش اختلاف نظر شدید بین دو جناح در دولت بوده است: یکی جناحی که به پیروی از اقتصاد جنگ معتقد بود که دخالت دولت در امور اقتصادی است (حیدری‌نژاد) که هرچند بی اعتبار شده ولی هنوز دارای تأثیرات فعال است)، و جناح دیگر بی‌عنی مجموع آن‌ها که هنوز به نحوی از سیاست‌های اقتصادی دوست رفتنی بیشتری می‌کند.

به طور کلی، رهبران رژیم (بی‌بی‌به، رفسنجانی، رئیس جمهور سابق) هنگام سخن گفتند از کارنامه 21 ساله که داشت و با افتخار به نکات زیر اشاره می‌کنند:

- پیشرفت در زمینه اقتصادی از جمله جاده‌سازی، خطوط راه‌آهن
- احداث سد‌ها و شبکه‌های آبیاری، ایجاد تاسیسات بندری و فرودگاه‌ها
- ازدیاد محصولات کشاورزی (گندم و چربی)، کشت‌های نوین
- تأسیس و تکامل صنایع سنگین
- احداث نیروگاه‌های برق، و بستر خطوط قاره‌ای به صدها شهر
- بی‌سابزی فضای شهری (از جمله احداث پارک‌ها و پارک‌های راه‌آهن)

در خطبه‌های نمای جمعه، امام‌زاده و مهربانه در نواحی به‌عنوان پیش‌رفته ها، مانند این‌ها اشاره می‌شورد از جمله پیش‌رفته‌های پیش‌رفته‌های چشم‌گیری انسانی (از قبیل انفورماتیو ثبت نام در مدارس، ایجاد بهتری و درمانگاه‌ها، انفورماتیو نهایی انتخابات)
نسبت تعداد پزشکان و پرستاران برای هر هزارنفر جمعیت، دسترسی به آب آشامیدنی و بالا رفت و وضع بهداشت، احتمال تأسیسات تفریحی جدید، و توسعته‌گسترش ارتباطات (شامل رادیو، تلویزیون، تلفن‌های متعدد، برقراری ارتباط با شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت). افزون بر این، رهبران رژیم پیوسته، و تا حدی به حق، به خود می‌پالنده که دولت جمهوری اسلامی برای جمعیت به سرعت رو به رشد کشور سطح زندگی متعارفی (ولو رو به نزول) فراهم آورده، مانع محتمل و کمبود کالاها و خدمات ضروری شده، گل هزینه جنگ با عراق را از محل مانع داخلی بدون افزایش تأمین کرده، و به طرز بسیار گسترده ای کاراگاه و آمادگی دفاعی ایران را (از تانکهای ساخت داخل گرفته تا موشک های با برد زیاد) افزایش داده است.

اثنا با همه کشش هاتی که در جهت برکات جلوه دادن دست آورده‌ای مشت، از سویی، و کوچکتر نشان دادن موانع و سرخوردنگی‌ها، از سوی دیگر، می‌شود، اتفاق نظر درمانی و اخلاقی برای این است که اقتصاد ایران اکنون در وضع بدتیر در قیاس با دوران پیش از انقلاب قرار دارد. برپایای آمار رسمی دولتی، تمام شاخص‌های سلامت اقتصادی نماینگر نشانه‌های منفی هستند. درآمد سرانه یک سوم کمتر شده، شکاف درآمد میان خانوارها بیشتر گردیده، نرخ رشد اقتصادی پایین تر رفته، توزیع افراشیاب یافته، بیکاری و کم کاری و وسیع تر گشته، دولت در قرض بیشتری فرو رفته، و میزان ذخایر ارزی و خارجی کاهش یافته است. افزوین بر این ها، رشد آهسته اقتصادی، ضریب توأم دورقی و کمبود مداوم بوده، با کمبود در زمینه‌هایی که مسکن، مدرسه، آموزگار، مرکز درمانی، و داروها اساسی، و نیز آلودگی‌های محیط زیست (هوای و آب) فرسایشی قابل توجه زمین و جنگل زدایی نگران کننده همسود بوده که دولت هم خود به آن مصرف است. برای این پریشانی‌های اقتصادی، باید فناوری اجتماعی ناشی از آن از قبیل گسترش اعیاد، روسپی‌گری و برهکاری در شهرها را نیزافزوده. در عرض شش سال گذشته به موجب جدول «توسعه انسانی» سازمان ملل، در میان ۱۷۴ کشور، رتبه جمهوری اسلامی از مقام هشتاد و ششم به مقام نود و پنجم تنزل پافته است.

و عده ها و عامل‌دارها
در پریشانی اقتصاد کنونی ایران مقایسه پیوند و عده های انقلابیون اسلامی از یکطرف و دست آورده‌های آنان، از طرف دیگر، دارای اهمیتی خاص است. به خاطر
آریم که دولت در دوران محمدرضا شاه به‌همراه به اتخاذ برنامه‌هایی برای توسعه اقتصاد مصرفی ("مصرف‌گرای") که ایران را در زمینه‌های تجاری، تکنولوژیک و مدیریت اجرایی به خارج واشته کرده استخراج و صدور شاتبان منابع رو به کاهش نفت چهت پرداخت به‌هیا کالاهای مصرفی وارداتی و تسهیلات نظامی پیشرفته‌ای که مورد نیاز کشور نبود؛ کم توجهی به خود کفایی کشاورزی؛ سیاست غلط صنعتی متکی بر کارخانجات و صنایع موتورخانه؛ افتکار تأمین بهره‌جایی بودجه‌میلی برداشته‌ها حاصله‌از فروش نفت؛ کم توجهی به صادرات غیرنفتی و ازدیاد فاصله میان درآمد‌های مردم و نیز میان سطح توزیع بهره‌های و توزیع بهره‌های کشور؛ و ازنا سرمایه‌های ارزش‌ده ملی در راه دستیابی به آزادی هسته‌ای و عده‌ای که بود که تمام این سیاست‌ها با استقرار رژیم جمهوری و سلطنت آن بر پیشور کنار گذاشته خواهد شد.

اثالا، که بختی از سیاست‌های اقتصادی که بر اساس آن حکومت شاه محکوم دانسته می‌شد تغییر ناپذیر، هیچ یک از وعددهای همان را راجع به دگرگونی اقتصادی کشور به سوی کارآگاهی بی‌پیشمر، عدالت اجتماعی و خودکاری داده می‌شد جماهیر عمل نپذیرد. بدین وجوه کشور تا یک خستگی نابنی آمیز داغ برای ایجاد یک اقتصاد اسلامی از راه نفتی ساده‌گرایانه و استقرار یک "الگوی مصرفی صرف جویانه" هنوز در نظام و فرهنگ اقتصادی کشور شناختی از چینی‌گویی نمی‌تواند دید. بر این‌بک، آثار اشرافی سودجویی از راه احکار، ریاکاری‌یا با بهره‌بندی اقتصادی و عامل‌های وابسته و معاملات پردنامه‌فریزیان به جمعیت‌ما خورده. در واقع درنتیجهای اصلی اقتصادی دیگر ساختنی از اسیران اسلامی به میانی نمی‌آید.

تنها در ساختن‌هایا و مراحل ملی‌موبیل است که گاهی به این مبانی اشاره می‌شود. خودکارانی اقتصادی که بدیها از مراحل خصوصی بند جدایی نابینای استقلال سیاسی شمرده می‌شد، اکنون دیگر رها شده و ایران در حال حاضر مفاعاله می‌کوشد تا به عضویت سازمان‌های جهانی درآید و آگاهانه در صدد جلب سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی، تکنولوژی و مدیریت کارآمد است.

استخراج و صدور حدود 6 میلیون بشکه نفت خام در روز در سال‌های اولیه دهه 1970 که نستعلیق از سوی رهبران انقلاب به منزله خیانتی به مردان برحق نسل های آینده محروم کردیده بود اکنون به صورت آزاده رژیم و هدف جدید این است تبادل می‌آید و آن در آمده است. به سخن دیگر، اقتصاد ایران اکنون بش جهت تغییر یک به صدور نفت و گزار و باستانه است.
نه تنها خودکاری کشاورزی که بنا بود در ظرف ده سال (معنی تا سال 1990) تحقق یافته، هنوز به صورت یک هدف سازمانی بانکی مانده، بلکه اخیراً ایران به زمینه زیرکگ تران وارد حضور گردیده که زمانی به عنوان ایستگاهی نادرست و نامناسبی برای صنعتی شدن و به مثابه عاملی در ایجاد انرژیهای ارزانی حاصل از فروش نفت محروم می‌شود اینکه به مراتب بیش از گذشته رایج شده است. اگر ناروا و ناموجودی بودنش برادرادم نفت که در گذشته سیب فراز و نشیب های زیان آور اقتصادی دانسته می‌شد که کاهش نیافته است. گرچه صادرات غیر نفتی که در دوران شاه ظاهراً نسبت به آن بی توجیهی می‌شد پایه ارزش کنونی دلال به طرز چشمگیری انژاوه یافته، اما اکثر عایدات حاصل از این انفراش با محبسه توزیع و در مقایسه با واردات سنجیده شد، به احتیاط زیاد هم از نظر درصدی تولید محصول اضافی از نظر سرانه از البته به سبب کاهش یافته است. در حالی حاضر دریافتی‌های حاصله از صادرات سالانه اقلام غیر نفتی تنها برای تأمین هزینه ماه واردات کفایت می‌کنند، وكل درآمد حاصله از صادرات غیرنفتی تقریباً یکبار همان مقداری است که ایران به سفر به خارج از کشور خرچ می‌کند. هرچند در ایران دسترسی به آمری قابل اعتماد درباره توزیع درآمد داخلی نیست اما مشاهدات خصوصی و بررسی‌هایی که جسته و گریخته انجام می‌گیرد حکایت از بیشتر شدن شکاف درآمد و بین طبقات متوسط در مقایسه با طبقه‌های تازه به دوران رسیده دارد. ممکن است اینکه طبقات متوسط که در زمان شاه رو به رشد بودند، از انتقال به این سو روز به زوال گرفته‌اند. سرم بودن معمولی برای تسهیلات و نیروی هسته‌ای که در اینجا آمری به‌پایه‌اش دانسته می‌شد و نظام گنگشته به خاطر آن سورد نکوهش قرار گرفته بود. اکثری آشکارا پنهانی‌ایش یافت است.

به این ترتیب، عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی، حتی با توجه به اهداف و اولویت‌های اقتصادی خود آن، موفقیت آمیز نبوده است. هرچند هرکسی از پنج دولتی که بعد از انقلاب مصدر کار شده گناه‌بخش از مشکلات اقتصادی را تلیبنا به کردن دولت قبل از خروج انداخته است، سختگیرانه روی این پایه هر چه سرور از جمله اقدامات خرابکاران مخالفان رهیس در خارج کشور، چنین "حکیمی" با عراق تحریم های اقتصادی آمریکا، نوسانات قیمت نفت، سودایی و بلاایی طبیعی، و تبلیغات خصوصی آمیز غرب برعلی جمهوری اسلامی.

در حالی که نتایج منفی برخی از این عوامل (بویژه جنگ مخرب و پتریزیه) با
عراق) را به هیچ روی نمی‌توان کنمان کرد، مستلزم خروج حکومت در پیداشی برخی از این عوامل را نیز به شکار می‌توان فراموش کرد و با دست کم گرفت، به ویژه در مواردی که عراق حمایت از ایران را کرده که آمریکا در تهران، ادامه جنگ با عراق پس از ۱۹۸۲ صدور اتفاقات پیشنهاد رشدی و دخالت احتمالی رژیم در پاره‌ای عملیات ترویجی بین المللی.

ریشه‌های بحران

ریشه‌های اقتصادی بحران‌زای ایران را باید در ساختار دولتی آن چستجو کرد که خود بر شالوده‌های ست اقتصادی، اپیدانولزیک، فرهنگی و اداری نبا شده است. از لحاظ اقتصادی ایران با ترکیب جمیعتی جوان، بانزه کاری کم، ازدیاد مصرف، اتکای بیش از اندازه به درآمد‌های غیرقابل پیش‌بینی و ضعیف ناشی از فروش نفت و روابط‌های مدیریت غلط در امور اقتصادی دست به دیگران بوده است.

با جمعیتی که ۶۰ درصد آن زیر مرز ۱۵ سال قرار دارد، ایران دارای یکی از جوان ترین جمیعت‌های جهان است. نیروی کار فعلی کشور کمتر از ۳۰ درصد کل جمعیت است، در قیاس با ۶۴ درصد در ترکیه و اندونزی و ۶۰ درصد در چین. همچنین در مقایسه با آن کشور‌های دیگر در ایران زنان درصد نسبتاً کمتری از نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

بازدهی کار – بینی نسبت جمع سالانه‌ی تولید به کل ساعات کار در سراسر های اخیر دارای رشدی در حدود ۲/۷ درصد در صنایع مهره است که یکی از پاتئن ترین نرخ‌ها در میان کشورهای در حال توسعه و دیپسیتینی در اراضی رشد جمعیت کشور است.

ایران‌نیز، مصرف کننده بخش بزرگی از تولیدات کشورهای و تنها به بخش اندکی از درآمد خود را ذخیره می‌کند. در سال‌های اخیر بیانگیرانی میزان اندوختن‌ملی که پاییز در حد مطلوب به حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد برسد، حدود ۲۰ درصد بوده و کاهش‌های با تا ۱۵ درصد هم کاهش یافته است. بخش قابل ملاحظه‌ای از تولید داخلی نیز به خاطر توزیع نامناسب و نیز به علت کاهش مصنوعی قیمت‌ها، هدر می‌رود.

درآمد حاصله از محل صادرات نفت رقیق بیش از ۸۰ درصد عادات سالانه ارز و بیش از ۵۰ درصد از درآمد‌های بودجه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، نوسانات قیمت نفت نتیجه بسیار نامتطبیق برای برنامه‌ریزی و بودجه ملکت به بار می‌آورد. از آنجا که ۳۰ درصد مواد غذایی و بین ۲۵ درصد و ۶۰ درصد از
مواد خام و کالاهایی نیم ساخته بعضی از صنایع متقی بر واردات است، حتی کاهشی ناجی نیز در قیمت خام به کاهش درآمده ارزی و واردات می‌انجامد و از میزان رشد و اشتغال می‌کاهد.

اقتصادی‌که سالانه با هفتصد و پنجاه هزار متقاضی کار مواجه است، دستکم به رشد واقعی 6 درصد یا بیشتر نیاز دارد. جنینی رشدی نیز به نوبه خود ایجاد می‌کند که سالانه ۳۵ تا ۴۰ درصد از تولید مجدد با سرمایه‌گذاری در زمینه‌های سرمایه‌ای اساسی و سرمایه‌ای مادی اختصاص یابد. شکاف میان پس اندازه‌ای ملی و سرمایه‌گذاری های ضروری می‌باشد از راه توسیع به سرمایه‌های خارجی پردازش. این که با دلایل مختلف به ویژه اوضاع آشفته و نامعلوم سیاسی و احساس نگرانی در بخش خصوصی، ایران از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خارجی به استثنای سرمایه‌گذاری های محدود در بخش نفت و گاز، محروم بوده است. سرمایج در در نتیجه دو دهه کنترل دستمزد و قیمت، و به سبب وجود نرخ بسیار متوسط مبادله ارزی، رابطه بین هزینه و قیمت به شدت تحریف شده است، به گونه‌ای که اینک دیگر نمی‌توان راه حیلی سریع و آسان برای آن تجویز کرد.

از نظر ایدئولوژیک نیز رژیم جمهوری اسلامی، کردار در چنبره یک نظام اقتصادی متمرکز، خود را به سیاست رفاهی گسترده ای متفاوت کرده که تحمل آن در حیطة امکاناتش نیست. به اساس قانون اساسی کلیه صنایع بزرگ و کلیدی ایران، از جمله نیرو و معادن، شبکه‌های بزرگ آبیاری، ارتباطات (تلفن، رادیو و تلویزیون)، و سیاست حمل و نقل (هوایی‌هایی، کشتیرانی، و راه آهن) تجارت خارجی، نظام بانکی و بیمه، بسیاری در مالکیت و قلمرو اداره دولت قرار دارند. اینکه به موجب قانون اساسی مالکیت و سرپرستی ایزرا اصلی تولید و توزیع در اختیار دولت است نه تنها منابع مالی محدود کشور را می‌خواهد و بودجه دولت را پیوسته در کسی نگه می‌دارد، بله موجب دلسردی بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و اینکار گم می‌شد. همه بزرگ در مورد مالکیت خصوصی، دشمن به‌ساده، و فقیدان یک قوت قطعی نیرومند، مستقل و کارآمد که توانایی داوری در اجرا و تنفیذ قراردادهای تجاری را داشته باشد، عامل پیدایش فضایی بسیار ناسازه برای سرمایه‌گذاری شده است. براساس (Wall Street Journal) و (بیاند میراث) انجام گرفته است، ایران از نظر فضای بازاقتصادی به یکی از پاتین ترین سطوح فرآیندشده و با احراز مقام یکصد و پنجم در
میان ۱۶۱ کشور جهان تنها بر کنگو، کوبا، عراق، کره شمالی و سومالی ارجح است. از اهداف اقتصادی و مالیه‌ای پادشاهی دوباره در بانک‌های خارجی نیز ایران به‌دوری به‌صد افزایش خریداری خوشه‌های تخیلی (Moody's Investment Services) در سطحی ناچار به‌بهره‌وری از اینان و پالایش از روسیه قرار دارد. یک نشریه اقتصادی معتبر انگلیسی نیز ایران را از لحاظ خطرات (risks) که برای سرمایه‌گذاری در آفریقا تهدید شودی که طاهرآ برای تهیه‌گیری های اربیاتی شرکت‌های بیمه صادقات برای بیمه نامه‌های ایران حدود ۱۲ تا ۱۴ درصد حق بیمه دریافت می‌کنند. در قیاس با ضریب ۳ تا ۴ درصد که برای کشش‌های «کم خطر» نسبت می‌شود.

از نظر فرهنگی، در جمهوری اسلامی یک سوی کرد متفوکی ضمنی و ذائقی نسبت به سود و سوداوی وجود دارد. تحقیق در فعالیت‌های اقتصادی بیش از آنکه تحسین‌انگیز باشد سوء طن و حسد می‌آفریدند. بی‌روزه در دوره بعد از جنگ با عراق یافته و اکنون نسبت به سرمایه و سرمایه‌گذاری (بخصوص سرمایه‌گذاران خارجی) منفی است. این واقعیت متفوکی و رشدستی را، که بر قانون اساسی جمهوری ایران نیز تأثیر قابل ملاحظه گذاشت، می‌توان ناشی از طرز تفکر انقلابیون چهگونا دانست. در واقع، پیشروی از حساب‌های دخلت و کنترل دولت که امروز خود در نظام اداری از مصادر کارنده تنها به ظاهر از خصوصی‌کردن و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی استقبال می‌کند و در نهایت منع از تحقیق این گونه سرمایه‌گذاری که می‌شود.

طبقه بنازیر در ایران، که همبستگی از زره تجارت، نوسانات ساختگی بامزه، جمع آوری اجبار و هواداران از زره توهم، زندگی کرده است، اگر هم به حکم غیره‌های فعالیت‌های اقتصادی و حکمت‌های بنیانداران اقتصادی و انتخابات ویژه و کنترل توهم، دستور نوروز دست کم نسبت به آن نظر چندان خریده ندارند. در چنین مواردی، هنگامیکه یک نماینده اقتصادی و فرهنگی به سوی درآمدهای سریع با استرداد سریع و مخالفت با سرمایه‌گذاری تولیدی دراز مدت و بهره‌دهی به‌سیاست‌ها و جریان‌ها از نظر مدیریت، اقتصاد ایران از یک بورسی بنیاد می‌تواند تابعی، نالینه و فاسد و در نهایت نهاده‌ای نظرات و کنترل مستقل، که در جامعه مدنی معلام است، برنج است. بخش دولتی در کنترل چهل‌نیمه انحصاری دولتی و فرآیندهای قرار دارد که از طریق چند بانک و سیاست‌های سازگار و چند هزار شرکت دولتی که از استراتژی‌های نوسانات بانکی ارزان قیمت، انرژی تجدیدپذیرا و مبادله ارزی، پایان‌های دولتی،
و حمایت دولت در مقابل واردات، برخورداری از ارز و نیاز، معیارهای نئویکونیالیستی و فاقد صلاحیت در زمینه مجازی اصلاحات مربوط به هزینه و قیمت انرژی و بطرکس کلی در صحنه رقابت در بازارهای جهانی تأثیر از حضور آنان به چشم نمی‌خورد. اولویتی که به اعمال اسلامی و انقلابی در گزینش کادر مدیریت مؤسسات دولتی داده می‌شود مملکت را از داستان نیروهای متخصص، شایسته و یک راه آنها محو رسانه و در نتیجه کاهش چشمگیر در کارآمدی اقتصادی شده است. نرخ بازدهی سرمایه در این سال پیش از انقلاب تا ۲ درصد در سال بالا رفت، بود اکنون به شاخه نیم درصد در حال بودن آمده، به ۴۰ درصد کاهش یافته است.

چشم انداز

آنچه در گذشته روى داده لزویا سرنوشت آینده را رقم نخواهند زد. تاکنون مجموعه‌ای از عوامل منفی- از جمله یک چنین اساسی مختلف با بازار آزاد، یک بنخوش دولتی مشترک و ناپالم، فقدان یک سیاست موزون و منسجم در باره بازار کار، سیاست‌های کششواری و صنعتی آشفتی، ندبهالی روزی از یک برنامه رفاهی پرهزینه، مرجع داستانی معیوب کورکورهای به لیاقت و تخصص در امر مدیریت، تحمیل فساد اداری و رفتارهای ضد اجتماعی، گریز پیوسته سرمایه، فرار منزها، نامعلوم بودن نحوه داده‌گذاری سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی، و استمرار واکنش ها و موضع نسبت‌جویها و نامعلوم در مقابل غرب - ایران را از امکانات فراوانی که برای رشد و توسعه اقتصادی در اختیار داشته، محرک ساخته است. این خطران این ماه‌ها از دست رفته را دست کم می‌توان با تا حدودی از راه تغییر خط مشی کتنی به خط مشی روش بینانه و جدید جهان کرد.

اصلاحات فراگیری که از جانب محمدرضا خاتمی در مناسبات های گوناگون ظیف سالی که بر مبنای قرار داده‌شته وعده عضویت جملگی به منظور مبنا به مشکلات متساوی و دست و پا گیر وجود طرح شده است. اینکار موفقیت آمیز را در دوست از سازمان مثل متحد بیان‌های تبلیغاتی گفته‌ها و کام‌های مناسب که در جهت بهبود روابط با اتحادیه اروپا (پروژه به ایتوالیا، فرانسه و انگلستان) برداشته است را می‌تونست برای اقتصاد مملکت به حال که گرفت. از پرکت برتری، نقد پوشش بی‌پیمایی صدا در حوضه اقتصاد- سرمایه‌گذاری از جانب مؤسسات مالی این کشورها، ایران توانسته است هزینه مورد نیاز برای سقف بالاتری از واردات را تأمین کند. الی به افزایش اخیر قیمت نفت به این کار کمک بسیار
طرح‌های اقتصادی رئیس جمهور که اخیراً در برنامه‌سازی و برنامه‌گذاری جدیدی به دقت مشخص ساخته است و برنامه‌گذاری که هدف سازگاری ساختن عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی است، اهداف زیر را در دستور کار خود قرار داده: ازبین‌سازی سرمایه‌گذاری و اشتغال؛ جنگ با تورم؛ اصلاح نظام مالیاتی؛ از میان برداشت‌های انحصارات دولتی و خصوصی؛ ارائه مؤسسات دولتی زیان‌آور به بخش خصوصی؛ افزایش صادرات غیرنفتی؛ پیگیری سازی وضع مبادله ارزی؛ جلوگیری سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی خارجی؛ کاهش کارآمدی و اسرآوری، و بازاریابی نظام اداری. این برنامه‌های مهم کننده و عده‌ای می‌دهد که به احراز شرکت درصد رسیدن نائل گردند، ترمه را ۶۰ درصد کامش دهد. ۲۵ درصد از میزان بیکاری به‌کاهش، و سالی پهن‌تر و پنجاه هزار شغل جدید پیدا آورند.

پیش‌بینی که برپا کرده ساختن این اهداف کار بسیار دشواری خواهد بود. اگر توافق در رسیدن به اهداف از پیش مشخص شده نیازمند یک سلسله مشروطه و پیش شرط هایی است که هژیه فرآشی نیاز می‌آید. به‌طوری‌که هژیه نیاز به یک اتعامل عمومی و اتفاق نظر می‌آید درباره متقاضی نهایی جمهوری اسلامی است. به‌طوری‌که، نخست با احراز کردن که آیا مردم ایران، آن گونه که قانون اساسی تجویز می‌کند و رهبر جمهوری اسلامی مدام مدعی آن است، خواستارند که بهدف تقریب به خدا، در جهان مادی نیز به یک زندگی روشنی و زمان‌هایی و محقر بسنده کنند که یا آنکه میل به از سطح بالاتری از رفاه مادی به رساند، و از امکانات و تسهیلات اقتصادی و اجتماعی مثبت‌تر برخوردار شوند؟ آیا می‌خواهی قرار است از یک "الگوی مصری" سازگار با یک زندگی انسانی طبیعی و اخلاقی آن طور که بین‌بندی‌های وعده‌ای داده‌اند پیروی کنند؟ یا آنکه باید مختار شوند تا از ثمرات کار و کوشش و شایستگی خود، در یک نظام قانونی مورد قبول همگان، بهره‌برد گردد؟ این پرسش‌های اساسی هنوز پاسخ دقیق و روش‌هایی نیافته‌اند.

اگر روش‌شان شد که اکثریت مردم زندگی مرفه تر و پذیرش تر را به بننده‌نویسی مرتضی‌انه و منظومه طلبانه تجربه می‌دهند، کام بعدی تصمیم گیری قاطعانه در مورد جوگیزی نقش و دخالت دولت در اقتصاد و میزان فعالیت های تجارتی آن است. مسئله ای اساسی و حیاتی که در طی ۲۱ سال گذشته هیچ که به روشی درباره اش تصمیم گیری و تعیین تکلیف نشده. متن اولیه قانون اساسی ایران که پیش نویس آن توسط کسانی که اغلب کرایش های مارکسیستی داشتند نپیه شده
و مورد تأیید روحانیان متمایل به چپ هم قرار گرفته بود، پیوسته برای اقتصاد مملکت مشکل آفرین بوده است. این سنده دولت را به سوی تمرکز منابع اداری و یک سیاست رفاهی از گروه‌های گروه‌های تغییر داده، در حالی که دستگاه‌های دولت برای انجام چندین سیاستی از نظر مدیریتی ضعیف، از نظر مالی کم بینی، از نظر اداری ناتوان، و از نظر اجرایی فساد پذیر بودند. افزون بر این، گرچه از هنگام پایان جنگ با عراق تاکنون آن بخش از رهبران رزمی که معتقد به اصلاحات اند بر لزوم کاهش فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اقتصادی دولت پافشاری کرده اند، شرایط نگهداری و سایر جناح‌های ذینفع همچنان از تحقق این گونه اصلاحات جلوگیری می‌کنند.

از مسائل مری‌پروتو به قانون اساسی گشته‌شده، ریاست جمهوری خانمی با مشکل اختلافات ایدئولوژیک داخلی نیز روبرو بوده است. نظیره‌های اقتصادی دولت که در بودجه‌های سالانه، در طرح مصوبات منایده بازاری اقتصادی، و به نارضایی در برنامه‌نویسی، انعکاس یافته، باعث آنکه بازتابی از یک اتفاق نظر‌گرایه باشد، سرشار از عوامل مساعد به افراد و جنایه‌های گوناگونی است که با یکدیگر اختلاف نظر و منافع دارند. از یک سو، خصوصی کردن مؤسسات دولتی، از یک سو، ارائه انجمن‌های خصوصی و دولتی، دقایق بیشتر و سال‌هایی و آزادسازی تجارت مشخصا در راستای خواسته‌های طرفداران نظریه بازار آزاد در حکومت قرار دارد. از سوی دیگر، تعیین دولت به تامین «عوامل اجتماعی»، کنترل قیمت و مزد و به‌همراه اهداه پرداخته کرده‌اند، و اپراتور ناخچی ترجمه در مبادلات ارزی، از جمله امتناع‌اتی است که به هواپیماهای خاص دخالت دولت در اقتصاد، که همچنان در کابینه خانمی و در دفتر رهبری چا، و نفوذی دارد، داده شده است. اما همان گونه که انظار می‌رتفع، این تلاش سخاره‌فاده برای راضی‌سازی نه داشته‌هست، حیچ یک را خشونت نکته‌است.

هرگاه این دور مشکل اساسی از راه عرضه یک نظام اسلامی ملایم تر از یکسو و یک برنامه اقتصادی منگر به ابتدایی و عملیات های بخش خصوصی از سوی دیگر، حل شود آن وقت شرط نخست برای رونق و پیشرفت اقتصادی، عبارت خواهد بود از تأکید بر مصونیت حقوق مالکیت و تنفیذ و اجرای قراردادهای مشروط اقتصادی.

پاسخ مناسب به شکوه مکرر سرمایه گذاران بالقوه دیوانه نبود فضایی ام نبرای سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم اطمینان سرمایه گذاران نسبت به اوّلیه‌ی یک سلسله‌گام‌های اصلاحی است که باید به ترتیب برداشته شود. نخست بااین کلیه...
نگاهی به اقتصاد سیاسی ایران...

این بحث، که در قانون اساسی در ارتباط با مالیات، خصوصیت و سرمایه وجود دارد، برطرف گردد. مصادره اموال افراد حقیقی یا حقوقی، آن‌ها بدون مجوز و به‌رغم ضوابط قانونی، بازی یکسره تنوع گردد. کلیه دارایی‌هایی که خودسرانه و یا به‌بنایه‌های ناموجود، به براساس گنه منتبه به شخص ثالث، مصادره شده است. با باید به صاحبان قانونی آنها بنا‌گردانده شود. خسارت کسانی که آماده اقدامات غیر قانونی در دوران پس از انقلاب بوده اند، با باید جبران گردند. سرانجام، دادگاه‌های انقلاب، که ۲۱ سال پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، هم چنان برگزار، با باید یکسره یا رسیدگی به امور و دعاوی اقتصادی معاف شوند و جای خود را به دادگاه‌های عمومی دادگستری را پیاده سازند. این نظام قضایی، سالم، کارآمد، مستقل و قوی از گروه‌ها و ملاحظات سیاسی که به دست قضاوین کارداران، صاحب صلاحیت و فساد‌ناپذیر اداره شود از عوامل عمده برای تامین بیوتی قضاوی ایران است. افزون بر این، تنها چنین نظام قضایی مورد استفاده عمومی است که می‌تواند به وضع مالیات پایان دهد که در آن تحت شرکت‌های دولتی نیز، برای گرفتن از حوزه صلاحیت دادگاه‌های جمهوری اسلامی، در خارج از مرزهای ایران خود را به ثبت می‌رساند و یا در قراردادهای خود با سرمایه‌کنندگان خارجی رسیدگی و خل اختلافات را به حکمتی خارجی واگذار می‌کند.

پس از آن که نظر عمومی نسبت به برنامه‌ والاست حکومت احراز شود، ضوابط فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرین مشخص گردید، و ساز و کارهایی که مسئولیت حمایت از هر دو را داشته باشد به وجود آید، با باید به مرحله بعدی، که سیستم‌سازی بار حکومت است، پرداخت. این کار که روستی دوباره و از نظر سیاسی پرخاطره است شامل برای بیشتری کامل دیوتالیا مزبور، از مبان وردشت‌ترین بنباهای فردیتی، خصوصی گردا‌گردیده شکرده شرکت‌های دولتی زبان آور، و یک بررسی بجدا، عینی و واقع بینان از سباست‌های برترین ریزی و بودجه کشورخود بود.

پیش‌سازی نظام اداری و حکومت ورده نخست ایجاب می‌کند تا وزارت خانه‌ها و سازمان‌هایی که در زمینه حاضر تکثیف و کارهای پیکسکان دارند درهم ادغام شوند، از جمله سه نیاد در زمینه دفاع و انیت، سه نیاد در زمینه کشاورزی، سه نیاد در زمینه آموزش و فرهنگ، سه نیاد در زمینه نیرو، و سه نیاد در زمینه صنایع، سه نیاد معتقدند که مست کم‌کم استعداد کنونی کارمندان دولت افزون بر نیازاند، اما نمی‌توان آنان ناگهان کنار گذاشت، زیرا
در حال حاضر اقتصاد کشور توانایی چند هفتصد پنجاه هزار نفر تازه وارد درسال به پزشک کار را ندارد. تا تا اینجا باید به سه کم کارانه سر و سامانی تازه داد و آن تا به خدمات جدید و گسترشده عمومی (در زمینه هانی مانند آموزش، بهداشت، و نگهداری از محیط زیست) کمک نماید. چنان برناهای این تنها به ابتکار اداری استثنایی و کمبای نیاز دارد، بلکه مسئولیت آماده سازی و پزشکانی دیگر است.

حرف بیاندهای خیره (و خوار بی‌دلی) نیز، با همه مخاطرات سیاسی، ضرورت دارد. این نهادها که دارایی ها، اموال، و شرکت های مصادره شده از کسانی را که به نحوی با نظام گذشته پیوند داشتند، اداره می کنند، عملکرد خارج از چهارچوب اداری، مالی، و حسابرسی دولتی داردند. سرپرستی و اداره این گونه نهادها که عملکرد مالی این برخورداران و غالباً جزو دریافت کننگان اصلی پاراداها و سایر استیمات دولتی نیز هستند، در دست عناصر و فدار متغییر، اما به صلاحیتی است که از سوی بهتر جمهوری اسلامی منصفانه شده اند و از همواره به کمی چند از دیگر نیستند. این مجمع های بزرگ مالکیت و مدیریت مسایل گوناگونی را در زمینه های غیر مرتبطی جوان کشاورزی، صنعت، تجارت، حمل و نقل، ساختنی، در دست دارند. بدون اینکه در کارشناسی کوچکترین هماهنگی با همکاری وجود داشته باشد. تولید بیشتر این مجمع ها تنها ضریب کوچکی از بارزه عادی سرمایه آن هاست. با این همه، هزینه برخی مراکز و حوزه های مذهبی را تقبل می کند و به فعالیت های غیررسمی و غیردولتی که تاکنون از حوزه اختیار و بازیابی دولت مصوب شده است دست می زند.

خصوصی سازی آن دسته از نهادهای دولتی که از نظر مالی وضع اسفناک و زیان آوری دارد، از سال 1989 تاکنون در دستور کار هر دولتی که بر سر کار آمد بوده است. این هدف در تمام بودجه های سالانه، دستور عمل های اقتصادی و برنامه های پنج ساله به عنوان یکی از ضروری ترین گام ها به سوی سامانی یافتن نظام مالی و کارشناسی اقتصادی عنوان شده است. نه است که یک برنامه جدید، جامع، عملی، برای رسیدن به آن طراحی شود. در هنگام حال، مقاومت در مقابل چنین هدف و برنامه ای از سوی کسانی که از قبل این نهادها متعلق می شوند همچنان ادامه دارد و ویژه از سوی مدارک و سرپرستان نازی‌پورده، کارمندان عاطل و باطل، کارفرماان و فروشندگان متقرب و واسطه هایی که هدف‌شان تنها یکم آری اجبار است. ولی این همه مشکلاتی نیست که تنها از عهد آبادانه، یک سایاست صادقانه و جدی خصوصی سازی نه تنها خزانه داری را از وضع اسفناک مالی اش رها می کند بلکه بزینه فعالیت و رقابت و احیای بخش خصوصی را نیز فراهم
می سازد.

سراکام، کار ضروری دیگر بازیبانی و سنجش دوباره روند برنامه‌ریزی اقتصادی است. نظر به عملکرد بسیار نامتیلوب در برنامه‌نگاری ساله بعد از انقلاب که به مرحله یک از اهداف برنامه‌ریزی شده خود نرسیده و محتوی بسیاری از موارد آنها نیز توسط مجلس یا مؤسسات دولتی نادیده گرفته شد، برجست که ضرورت وجود سازمان برنامه‌ریزی برای تغییرات اقتصادی، واقع پیمانه و غیر اپتیژیک قرار گیرد. ماده‌ای که بودجه می‌رود پایه یک نظام مالیاتی منطقی و مطمئن استوار نشد، سرنوشت اقتصاد مملکت وابسته به درآمدسازی حاصله از فروش نفت خواهد بود. و تا هنگامی که این وابستگی اساسی ادامه داشته باشد، قیمت مشمول بیندن بانکداری بهبود داشته و دست خارج دست به پیش بینی بزنند، چه رسد که بر آن کنترلی داشته باشد. برنامه‌ریزی بودجه بیشتری محدودیت زمانی یک ساله بیچرخیده خواهد بود.

از این بحث می‌توان نتیجه گرفت که سرنوشت اقتصادی جمهوری اسلامی در دراز مدت اساسا به ساختار سیاسی آن گره خورد است، زیرا در مجموع اقتصاد کشور تحت مالکیت، تصمیم گیری، اداره و کنترل دولت قرار دارد. گرچه ظاهرآ رژیم توامتش است در همه این سال ها، با بهره گرفتن از غنائم نفت و قاز، به نحوی کشور را نشسته دهد تا توجه داشته که هرگونه این ذخایر به سرعت رو به کاهش و اتمام است. اما از سوی دیگر اگر اصلاحاتی بر شرط‌ها در بالا بتواند به رغم مقاومت گروه‌های نیم‌شماره و نیرومند جامعه عمل پوشند آن‌ها به آن تیرگی که مخالفنان رژیم به آن ایند بسته اند و مدافعانش از آن بیشتر می‌خواهد بود.

از بسیاری جبهات ایران برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی امكانات فراوان دارد. پرغلاف بسیاری از چشمهای جهان سرمایه‌های به علت کمبود سرمایه‌داران و انسانی، از رشد اقتصادی پاک‌سازی اند، ایران این هر دو نسبتا به وفور در اختیار دارد. افزون براین، ایران دارای سرمایه‌های پنهانی با حداکثر ۶۵ میلیون جمعیت است و حدود ۲۰ کشور در حال توسیع آن هم در منطقه جغرافیایی بزرگی با ۳۰۰ میلیون جمعیت و پرزگر یک پرزگر بزرگ و پرمنفت برای کلان‌شهری ساخت ایران. در پی اساس ایران، قرار دارد گرفته‌ای نماید. از نظر منابع انتخابی نژاد ایران با تسلط بر حدود ۱۰ درصد از ذخایر نفت و ۱۵ درصد از ذخایر گاز جهان، در موقعیت مطلوب قرار دارد وضع خوبی بهره‌مند است. دیگر منابع طبیعی ایران نیز هنوز کمال با مرحله بهره برداری نرسیده اند اما کاملاً نیست بخشاند. نیروی کار
در ایران فراوان و نسبتاً ارزان است و کادرهای قتی و حرفه‌ای در می‌باشند. موجود و نسبتاً کم هزینه اند.

به نظر می‌رسد که با گسترش پایگاه‌های قدرت در جنگ اصلاح طلب در عرصه‌های مختلف سیاسی و تصمیم‌گیری‌های زمینه برای پیشرفت در امور سیاسی اقتصادی کشور، بی‌بی‌بی روابط با غرب (به ویژه با آمریکا) و پایبندی جدی تر به ضوابط رفتار سیاسی و عرف بین‌المللی فراهم آمده باشد. به‌پایین‌تر که حکومت دمکراتیک، ایران از همه گونه توانائی برای دست یافتن دوباره به پایگاه سازوار و بند در جمع ملل بخوردار است.